

دین

عالی ترین مفهوم حیات

بحث ما درباره دین و مردان خدا است، من صرفاً این مبحث را می نویسم که جوانان تحصیل کرده بیشتر متوجه دین بشوند و دین را به مفهوم عالی خود درک کنند زیرا با کمال تأسف باید بنویسم : با خیلی از جوانها که نشسته ام دیده ام خاطره ای که از خدا و پیغمبر و امام دارند ، همان حرفهای ترس آوری است که در کودکی ، پیرزن همسایه ، یا کلفت پیرشان بگوششان خوانده است .

معلومات دینی ما خیلی ناقص است ، ما باید بفهمیم که دین یعنی عالی ترین مفهوم حیات ، دین یعنی ارجمندترین سند آزادی بشر ، دین یعنی کاملترین و مجللترین قانون جهان ، دین یعنی کار ، دین یعنی پیشرفت ، خلاصه دین یعنی خوشبختی و سعادت .

ما باید بدانیم که حقیقت زندگی بشر بدون دین ، مفهوم مسخره و بسیار بچه گانه است .

دین به بشر می گوید : مافوق قدرتها ، ماوراء اعداد و علوم ، ماوراء آسمانها و زمین ، ماوراء کهکشانها و کرات آسمانی ، ماوراء اتمها و الکترونها قدرت برجسته ایست که تمام مظاهر گوناگون وجود، تحت تسلط اوست . بعضی از کوه بینان که پرده شهوات روی چشمانشان را گرفته است وقتی که می شنوند که می گوئیم چرخش کرات و اتمها و غیره تحت اراده لایزال پروردگار است ، قوانین و نیروهای جهان را بر خ ما می کشند . مثلاً می گویند پس قوه جاذبه «نیوتون» چیست ؟

اینها آنقدر سطحی و ظاهری فکر میکنند که نمی فهمند قوه جاذبه «نیوتون» که بنظر آنها باعث چرخش و گردش کرات و اتمها است برای گردش آنها کافی نیست .

مگر در فیزیک نخوانده ایم که هر حرکتی را محرکی است و هر نیروی علتی لازم دارد چرا وقتی قوانین عالم را که جهان بدانها برقرار است شمار میکنیم علت را از یاد میبریم .

این نیروها و قوه‌ها از کجا پدید آمده و علت ایجاد چیست ؟
 اگر قدرت ماورائی، نیروی ما فوقی مسلط بر نیروهای ظاهری نباشد چرا
 این قوه‌ها و نیروها باهم ارتباط ناگستنی دارند ؟ من اجازه می‌خواهم عین گفته
 نیوتون یعنی کسی که قوه جاذبه را کشف کرد نقل کنم، وی میگوید : (نیروی
 جاذبه اصلانی می‌تواند علت تامه چرخش کرات بوده باشد اگر خدائی وجود نداشته
 باشد نیروی جاذبه هم وجود نخواهد داشت) این عبارت که از نیوتون نقل شده
 بمای فهماند که دانشمندان واقع بین ، هم خدا را قبول خواهند داشت و هم دین
 خدارا .

با قبول دین قسمت اعظم از نگرانیهای بشر بر طرف می‌گردد **دلیل کارنگی**
 نویسنده بزرگی که با نوشتن کتب مفید ، با اجتماع انسانی خدمت کرده است در
 کتاب «آئین زندگی» یک فصل طولانی را اختصاص به دین داده است ، این
 نویسنده در این فصل می‌نویسد :

حقیقت قوه الکتریکی و نیروها برای بشر مجهول است و عدم وقوف ما بر موز
 و دقائق این نیروها نباید مانع از متمتع شدن ما از آنها گردد و بی‌اضافه می‌کند که
 همچنین اگر ما بعضی از موز دین را نفهمیدیم نباید از دین روگردان شویم و
 از فوائد ارزش دار دین برای رفع نگرانیها و اضطرابات و آرامش دل بی‌نصیب
 بمانیم .

اینجاست که یک مسلمان بیاد قرآن عزیزش می‌افتد که می‌فرماید :
(الا بند کر الله تطمئن القلوب) یعنی اگر بیاد خدا باشید دلها و
 فکرها آرامش دارند .

دلیل کارنگی می‌نویسد : مردانی را می‌شناسم که مذهب را فقط برای زنان
 و کودکان و عاظم و مبلین لازم می‌دانند و بخود می‌بالند که شیر مردانی هستند که
 می‌توانند بیکه و تنها زندگی کنند . چقدر آنها متعجب میشوند اگر بدانند که
 عده‌ای از معروفترین شیر مردان جهان هر روز دست دعا بسوی خدا بلند میکنند
 مثلا **رَأَى كَذِبًا** مشت زن معروف بمن گفت : که هیچ شب بدون دعا بر خت خواب
 نمی‌رود، و هر وعده از غذای خود را پس از بجا آوردن شکر خداوند صرف میکنند،
 هر روز در موقع تمرین، دعای خواند و در حین مبارزه با حریف نیز قبل از بمسادر
 آوردن زنک دعا میکند .

وقتی که آیزنهاور رئیس جمهور اسبق آمریکا در زمان جنگ دوم جهانی از آمریکا با انگلستان پرواز کرد تا فرماندهی کل قوای ارتش را بعهده بگیرد فقط در هواپیما یک کتاب همراه داشت و آنهم کتاب مقدس بود .

دیل کارنگی می نویسد : در آمریکا بطور متوسط در هر ۳۶ دقیقه یک نفر خودکشی میکند و در هر دو دقیقه یک نفر دیوانه میشود، اگر این مردم از تسکین خاطر و آرامشی که دین و عبادت بآدمی میبخشد نصیبی داشتند از اغلب این خود - کشیها و دیوانگیها جلوگیری میشد .

این بود قسمتی از مطالبی که دیل کارنگی روانشناس بزرگ بیان می کند . وقتی که مازندگی در خشان مردان خدا را در طول تاریخ می نگریم حیات آنها را غرق امید، غرق شور و نشاط میبینیم .

مردان مبارز تاریخ که خدا را منظور داشته و برای او فداکاری کرده اند هیچگاه از مبارزه خود خسته نشده اند خورشید توحید ، تمام وجودشان را در فروغ بی انتهای خود فرو برده است آنکس که دین و خدا را قبول نداشته باشد در تمام کارهایش تردید دارد و بعشق چیزی فداکاری میکند که آن چیز فانی و نیست خواهد شد و بدین سبب آتش عشق و هوشش زود خاموش شده و مبارزه اش ناتمام میماند .

مرد دیندار روح و فکرش بامیداً بی انتهای پیوسته است که او را همیشه یار و یاور نکو کاران میدانند پس چرا نکوئی نکنند ؟ که تا از پشتیبانی قدرتمندترین نیروی هستی برخوردار گردد .

گاندی پیشوای هندی میگوید : «اگر دعا و نماز نبود من مدتها قبل مجنون و دیوانه شده بودم» .

شما فکر نکنید که ما هم خداشناس هستیم پس چرا حرفهای بالا درباره ما

نیست ؟

من با کمال تأسف باید بنویسم پرده غفلت و بی خبری و بی بندوباری و جهل روی تمام معتقدات ماسایه افکنده است، ما غافلیم ، مایی خبریم ، روی ما نمیشود حساب کرد .

خدای نا کرده نمیگویم که کوچکترین شك و تردیدی در وجود خالق لایزال داریم ولی حقیقت اینست که توجهی با و نداریم بد بخت و سرگشته در کشتزار حیات میچریم و خبر از باغبان مدبر و حکیم این باغستان رنگارنگ نداریم. بیخبر و غافل در کشتی کوه پیکر وجود رهروی میکنیم و خبر از ناخدای ماهر و عظیم این کشتی موج افکن نداریم .

بیایید بزندگی کسانی نظر افکنیم که با نیروی توحید، کوه در نظر آنها کاه جلوه مینمود .

مشکلات در چشم خدا بین آنها خیلی آسان می نمود، بیایید بزندگی آنها می نظر اندازیم که نظر انداختن بزندگان نشان آدمی را بیاد خدای اندازد، بیایید یادی از علی بن ابیطالب قافله سالار کاروان توحید بکنیم .

دل اگر خدا شناسی ، همه در رخ علی بین

بعلی شناختم من ، بخدا قسم خدا را

می گویند در دم مرگ که تمام امیدها و آرزوهای بشر نا بود شده است و روح انسان خالی از بار سنگین آرزوهاست هر کس هر چه گفت ، از روی دل و صفای قلب گفته است و در آندم آنچه بزبانش می آید مظهر و نماینده کامل روح وی است .

مثلاً ناپلئون آخرین گفته اش این بود «قشون را آماده کنید» که نماینده کامل روح خشن و نظامی وی بوده و نشانه این است که در مغز و فکر این بشر، سخن جنک و ارتش موج میزند .

امام علی (ع) برجسته ترین مرد تاریخ و تحسین ، رهبر ملت شیعه وقتی که شمشیر زهر آلود بر سرش فرود آمد ، وقتی که مرگ رادر مقابل چشم خود میدید، وقتی که یقین داشت دیده از دیدار این جهان فسونگار فرومیبندد چه فرمود ؟ من عقیده دارم این دو سه کلمه ای که موقع ضربت خوردن بر زبان امام (ع) جاری شده مقدس ترین و برجسته ترین سخنی است که می توان در آندم گفت :

این سخن مظهر روح عالی انسان و الایگاه هیست که تمام ایده ها و تمام

آرزوهایش در پرتو توحید و دین و خداشناسی محو شده است، وقتی که شمشیر زهر-
آلود پیکر پاک علی (ع) را غرق بخون کرد، ندای مقدس وی بر فضا موج انداخته
فرمود :

فزت ورب الکعبة یعنی بخدای کعبه سوگند که رستگار شدم، آسوده

شدم .

وقتی که بشر بخدا ایمان داشته باشد اینطور از مرگ استقبال می‌کند، ایمان
بخدا چنان **مرك** را بکام انسان شیرین میکند که قهرمان عرب امام علی (ع)
آنرا با آسوده شدن تعبیری نماید ... همین علی (ع) در نهج البلاغه میفرماید :

«ای انسانها ! پروردگارتوانا و مهربان خود را از یاد نبرید، از خشم جهان
فرسایش غافل نباشید، پیش از آنکه شما را بسنجد خود را بسنجید و هنوز بمحاسبه
دعوت نشده بحساب کار خود برسید . پیش از آنکه راه نفس را بر شما ببندد بفرار
نفس زنید و تا فرصت دارید بخواهید خود ببندیشید» .

«ای بشر! در همه حال عاجز و ضعیف ، در پادشاهی و گدائی یکسان . اگر
هم خود بداد خویشتن نرسی کسی بفریادتو نخواهد رسید و اگر با تفکر و اندیشه
خود بیدار نشوی اندرز کسی بیدار و آگاهت نخواهد کرد» .

پس بیایید بسوی خدا برویم، بیایید دست از عناد و خودسری برداریم و متوجه
گرداننده این گردون گردان شویم ، از کلام خدا از قرآن عزیز دوری نکنیم، از
سخن حق و دستورات دین چهره درهم نکشیم .

تا کی غافل و حیران ؟ تا چند فرسوده و پژمان ؟

بیایید بسوی دین و خدا برویم که هیچ پناهگاهی محکمتر از دین و هیچ تکیه-
گاهی استوارتر از خدا نیست .

ما که روی تمام شئون حیاتی خود فکر و تأمل میکنیم بیایید قدری روی
دین و خدا تفکر نماییم، ما که برای تمام کارهای خود برنامه چیده ایم بیایید در
زندگی خود تجدید نظر کرده و دین را هم جزو برنامه زندگی خود قرار دهیم .
ما که ساعتها وقت خود را در سینماها تلف می‌کنیم تا پیکر عریان يك ستاره

سینما را ببینیم چرا باید از چند دقیقه وقت خود برای ذکر خدا و عبادت مضایقه کنیم؟

ما که مدت‌ها وقت خود را صرف خواندن رنگین نامه‌های رنگین یا مجلات مسخره می‌کنیم، چرا باید از چند دقیقه وقت خود برای خواندن نماز غافل بمانیم؟ اگر تنبلیم چرا باید تنبل باشیم؟ اگر غافلیم چرا باید غافل باشیم، اگر عناد و خودسری داریم چرا باید خودسر باشیم. بپاخیزید و در زندگانی خود تحولی ایجاد کنید.

برخیز و نفس شوم را، افسار کن افسار کن
 گلزار عدل و فضل را، بی‌خار کن بی‌خار کن
 برخیز ازین خواب گران، شیپور بیداری بزن
 وین خلق خواب‌آلود را، بیدار کن بیدار کن
 مستی و غفلت تا بکی؟ بیدار شو هشیار شو
 وین اجتماع مست را، بیدار کن هشیار کن
 تاحق و فضل و عدلت بر مجتمع حاکم شود
 با خصم عدل و فضل و حق، پیکار کن پیکار کن

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

فتنه و فساد بزرگ!

هر گاه کسی برای خواستگاری دختری نزد شما آمد، که دینداری و اخلاق او را می‌پسندید، او را بپذیرید، و گرنه، فتنه و فساد بزرگی! در زمین برپا خواهد شد. (پیغمبر اسلام - ص)